

اسنپفود : از استثمار خلاقانه تا اعتصاب متحدانه

در آغاز تابستان داغ ۱۴۰۰، خاطره پاییز سرد سال پیش دوباره زنده شد: اعتصاب سراسری پیک‌های اسنپفود در تهران، اختلال در جابجایی کالاها، داغ شدن خطوط پشتیبانی اسنپفود و پیام‌های خطایی که پشت سر هم بر صفحه این اپلیکیشن نقش می‌بستند

داستان، همان داستان است: طمع اسنپفود و انواع حسابگری‌های «مبتکرانه» برای مکیدن شیرۀ جان بایکرها

اواخر ماه پیش بود که پیک‌های اسنپ فود در بخش‌هایی از تهران (هفت تیر، یوسف‌آباد و عباس‌آباد) ساعاتی دست به اعتصاب پراکنده زدند که در یک مورد به خط و نشان کشیدن لباس‌شخصی‌ها برایشان ختم شد. چند روز بعد در اول تیرماه بایکرها قصد اعتصاب هماهنگ و سراسری داشتند، اما تا بوی اعتصاب جدید به مشام اسنپفود رسید، با دستپاچگی در دقیقه نود و شب قبل از اعتصاب خبر از افزایش ناقابل هزار تومانی کرایه پایه داد. با این حال عزم و اتحاد بایکرها برای اعتصاب سست نشد و دو هفته بعد از آن ماجرا جان تازه‌ای گرفت. چرا؟ چون خواسته‌های اصلی‌شان همچنان پابرجا مانده بود: کرایه پایه همچنان شکاف زیادی با تورم افسارگسیخته دارد؛ این در حالی است که تورم کالاها، سوپرمارکتی و غذای رستوران‌ها، به همان نسبت درآمد اسنپفود از جابجایی سفارش‌ها را افزایش داده. با این وجود شرکت بنا ندارد که سهم بایکرها را از این افزایش درآمدهای میلیاردی خود بپردازد. اینجاست که خواست افزایش کرایه پایه متناسب با تورم (به حداقل ۱۲ هزار تومان) در دستور اعتصاب قرار گرفته

کار تمام‌وقت، مُزد آزادکار

«از توطئه «شیفت‌بندی» و «گارانتی» تا «کاهش سقف کنسلی

علاوه بر پایین‌بودن مُزد، خردادماه امسال شرکت یک قدم جدید برای افزایش شدت کار بایکرها و محدودتر کردن کنترل زمان کارشان برداشت و بعد از زدوبند با برخی نمایندگان، سقف مجاز کنسلی روزانه و هفتگی سفارش‌ها را برای پیک‌های موتوری کاهش داد و به ترتیب به ۲۵ و ۲۰ درصد رساند. این در حالی است که بنا به اظهار خود بایکرها امسال متوسط ساعت کاری هر فرد روی موتور به ۱۰ الی ۱۴ ساعت هم رسیده و با این تصمیم شرکت، وقت نفس کشیدن هم نخواهند داشت. نگاهی به آمار

تصادفاتی که در همین هفته‌های گذشته به خاطر خستگی و فشار کاری منجر به جان باختن یا نقص عضو شده، گویای تبعات مهلک این دست اقدامات برای افزایش شدت کار است

این اولین بار نیست که مدیریت شرکت، کنترل بایکرها بر زمان و انتخاب سرویس‌هایشان را محدودتر می‌کند. مثلاً با اعتراض پارسال بایکرها جلوی توطئه طرح «شیفت‌بندی» گرفته شد، اما شرکت مفاد مشابه آن طرح را این بار در بسته جدیدی با عنوان «طرح گارانتی» اجرا کرد؛ طرحی که رانندگان را – در ازای مبلغ معینی- ملزم به کار بی‌وقفه روزانه بین ۸ الی ۱۲ ساعت (بدون حق کنسلی سفارش) می‌کند. گرچه عضویت در این طرح در این مرحله فعلاً داوطلبانه است، اما به محض آنکه آمار بایکرها فعال در آن زیاد شود، احتمال حذف یا محدودتر کردن فعالیت آزادکاری از طریق کاهش توزیع سفارش‌ها بین بایکرها خارج از این طرح بیشتر می‌شود.

با چنین طرح‌هایی عملاً پیک‌های موتوری از یک «آزادکار» به «کارگر تمام‌وقت» اسنپ‌فود تبدیل می‌شوند، منتها بدون آنکه از حقوق و مزایای یک «کارگر» -مثل حداقل دستمزد و بیمه تأمین اجتماعی- بهره‌مند شوند

با تمام این ملاحظات، خواست دیگر اعتصاب آنست که سقف مجاز برای کنسل کردن سفارش‌ها، اگر نه بیشتر، اما حداقل به شیوه قبل محاسبه شود (یعنی احتساب «هفتگی» به جای «روزانه» و تا سقف ۳۰ درصد).

مشکل خطای نقشه نیز به قوت خود باقی است و تا زمانی که خطای لوکیشن نقشه حل نشود، افزایش کرایه‌ها صرفاً روی کاغذ می‌مانند و شرکت از این به اصطلاح «خطای فنی» (که غیر عمد بودن آن محل تردید است) برای دزدی از مُزد پیک‌ها استفاده می‌کند.

درس‌های تکرارپذیر

:اعتصاب سال پیش با درس‌هایی خاتمه یافت که جا دارد در آستانه اعتصاب جدید یادآوری شوند

نمایندگی: امسال هم مجدداً نماینده‌هایی خودسرانه (و بدون موافقت عموم بایکرها) با مسئولان شرکت به – ۱- توافقاتی رسیده بودند که مورد اعتراض رانندگان موتوری قرار گرفت (مثل ماجرای کاهش سقف کنسلی سفارش‌ها که تا چند روز بعد از اجرا خیلی‌ها روح‌شان هم خبر نداشت). در صورتی که نماینده نه حق دارد نظری به جز نظر اکثریت جمع را در جلسات مذاکره انعکاس دهد و نه حق دارد پیشنهاد مدیریت شرکت را بدون مشورت با بدنه بایکرها پشت درهای بسته تصویب کند. نمایندگی یک سمت اختیاری است و به معنای دادن چک سفیدامضا به فرد نیست. اگر نماینده‌هایی به هر دلیل (امتیاز یا تهدید) به «سخنگوی شرکت» بدل

شده‌اند، باید در هر زمان قابل عزل باشند. به همین خاطر ضروری است که نمایندگی، چرخشی باشد تا هم باعث محافظه‌کاری و منافع خاص نماینده نشود و هم دیگران فرصت این تجربه را داشته باشند.

بیمه و حقوق کارگری: پیک‌های موتوری اسنپ‌فود، اسماً «آزادکار» ولی عملاً به اندازه یک «کارگر» و بیشتر برای شرکت کار می‌کنند و به همین خاطر می‌بایست از حقوق کارگری - حداقل دستمزد، بیمه، تعطیلات و غیره - برخوردار شوند. این دستاوردی است که اخیراً ۷۰ هزار راننده شرکت اوبر در بریتانیا پس از یک جدال به آن دست یافتند؛ پس نه فقط شدنی است، بلکه هر روز تعداد بیشتری از بایکرهای اسنپ‌فود نسبت به ضرورت و اهمیت مبارزه برای آن هوشیار می‌شوند.

اتحاد با رانندگان اسنپ باکس: یکی از دلایل اعتصاب پارسال اسنپ‌فود، اعتراض به انتقال برخی - ۳ - سفارش‌هایشان به موتوری‌های اسنپ‌باکس بود. شرکت هنوز از حربه رقابت و اختلاف‌اندازی بین این دو دسته برای کاهش مُزد هر دو استفاده می‌کند و سال قبل حتی از رانندگان باکس برای اعتصاب‌شکنی علیه رانندگان فود استفاده کرده بود. تنها راه مقابله با این معضل، هماهنگی با موتوری‌های اسنپ‌باکسی برای اعتراضات مشترک و افزایش کرایه سالانه متناسب با تورم است. به جای تقویت این شکاف و اختلاف مصنوعی، باید نوک حمله را به سمت مدیریت شرکت به‌عنوان مسبب اصلی اوضاع نابسامان بایکرها گرفت. بدیهی است کسب دستاوردهای بزرگ مثل بیمه یا حداقل دستمزد، بدون متحد کردن سایر کارکنان اسنپ و غلبه بر شکاف‌های مصنوعی قومیتی (بین ترکمن و غیرترکمن) ممکن نیست.

مقابله با اعتصاب‌شکنی: همانطور که بارها خود پیک‌ها گفته‌اند، به آن دسته از همکارانی که به خاطر - ۴ - مشکلات مالی از شرکت در اعتصاب طفره می‌روند، می‌توان با زبان دوستانه توضیح داد که موقتاً در زمان اعتصاب برای سایر شرکت‌های دلیوری یا رستوران‌ها کار کنند؛ برخورد با همکاران اعتصاب‌شکن در قدم اول با زبان افناعتی باشد و روش‌های قهری مثل پنچر کردن لاستیک موتور را تا حد امکان به آخرین مرحله و از سر اجبار موكول کرد.

کمیته عمل سازمانده کارگری - ۱۵ تیر ۱۴۰۰